

وضعیت ناگوار مسلمانان در هند



جنگ هندو-مسلمان!

برخورد های خشونت بار هندوها و مسلمانان در هند و کشته شدن صدها مسلمان و وارد آمدن میلیونها روپیه خسارات مالی و جانی تازه نگردد و جزه طبیعت حیات سیاسی هند شده است. تبلور آن در گذشته ای نه چندان دور را باید در برخورد شدید هندوها - مسلمانان در شبه قاره و ایجاد کشور پاکستان بعد از استقلال هند دانست و در گذشته نزدیک نیز بدون اینکه اشاره به حوادث سالهای گذشته کنیم تنها حوادث سال گذشته کافی است ابعاد این مصیبت و وضع ناگوار مسلمانان را در هند نشان دهد تا جائیکه خبرگزاریها آن را جنگ هند و - مسلمان می نامند. متأسفانه در این میان همیشه مسلمانان بازنده بوده اند. شدیدترین موج درگیری در گذشته در ۱۹۸۳ و در جریان انتخابات آسام بود که در آن حدود چهارهزار نفر که اکثریت مسلمان بودند کشته شدند.

قبل از اینکه بشرح درگیریهای اخیر که در نتیجه صدور رای یک دادگاه بنفع هندوها و ضرر مسلمانان بوده پرداخته شود مسروری بر حوادث سال جاری میکنیم ولی قبل از آن نیز لازم است یادآوری شود که طبق آمار منتشره دولتی جمعیت مسلمانان حدود ۸۰ میلیون نفر است ولی خود مسلمانان معتقدند که جمعیت آنان حدود ۱۲۰ - ۱۵۰ میلیون نفر میباشد. در هر صورت از لحاظ آماری در درجه دوم بعد از هندوها قرار دارند اگر تقسیم قدرت را بر اساس جمعیت حساب کنیم قاعدتاً میباید سهم قابل ملاحظه ای در هرم قدرت سیاسی حکومتی هند داشته باشند ولی متأسفانه نه تنها چنین نیست بلکه همه درگیریها دقیقاً

در جهت تضعیف اقتصادی و سیاسی مسلمانان و دور کردن آنها از صحنه قدرت تا مرحله جذب آنها در جامعه هند و نهایتاً حذف قدرت اسلام میباشد و لذا طبیعی است که بهر وسیله ممکن که سهل ترین آنها ایجاد درگیری های مذهبی است از سر راه برداشته شوند.

درگیریهای گجرات

مروزی به حوادث سال گذشته نشان می دهد که در درگیریها و تخریبیهای احمدآباد گجرات - که البته هنوز تمام نشده - صدها مسلمان کشته و زخمی و هزاران نفری خانمان بجای گذاشت و صدها خانه و نیز اماکن مسلمانان به آتش کشیده شد. علت آن این بود که دولت ایالتی اعلام کرد قصد دارد به طبقات محروم و فقیر جامعه که عمدتاً از هندوها هستند ۱۸ درصد سهم جهت شرکت آنها در مشاغل اداری، آموزشی و حرفه ای اختصاص دهد. در این فاصله که درگیری بین امتیاز خواهان و طبقات مرفه هندوها در گرفت سازمان های افراطی هندو زمانیکه مشاهده کردند هندوهای مرفه بجان هندوهای فقیر و محروم افتاده اند برای الحراف افکار عمومی اعلامیه ها و شبنامه هایی بر علیه هندوها منتشر کردند که هندوهای نا آگاه و منحصب را علیه مسلمانان تحریک و موجب درگیری شدند.

دستور قتل عام مسلمانان

در یکی از شبنامه ها آمده است: اگر مسلمانان خواهان پاکستان بودند به آن دست یافته اند و دیگر

حق ندارند در هند زندگی کنند. ما هندوها باید قسم یاد کنیم که هر کدامان یک مسلمان را به قتل برسانیم. مسلمانان از نظر اعتقادی نامقدسند... مسلمانان میخواهند در هند تجارت و خون راه بیندازند. آنها معابد، و گاوهای ما را ازین میبرند و به ما اهانت میکنند. ما باید به آنها درس فراموش ناشدنی بدهیم. همه دستگاه پلیس با ماست... هندوها بیدار شوید و آماده باشید... آب دهان خود را بهنگام عبور از کنار مسجد بیرون بریزید (تف کشید) خاکها را سر بریزید و آنها را به داخل مسجد بیندازید.

در خونین ترین حملات که در مناطق کالو بود نیروهای پلیس به زنان مسلمان که علیه سکوت دولت در مورد این فجایع اعتراض کردند یورش بردند و آنها را تا سرحد مرگ مورد ضرب و شتم قرار دادند.

در بخشی از حملات اردیبهشت ماه سال ۶۴ افراطیون هندو به مسلمانان گجرات چندین مسجد و دهها کتاب و قرآن خطی و ۱۷۰۰ خانه به آتش کشیده شد و اموال زیادی به غارت رفت. درگیریها به سایر نقاط سرایت کرد و ۱۴۰ انفاز و ۳۷ باب خانه در شهر ویرانگام طعمه آتش قرار گرفت.

در روز عید سعید فطر که مسلمانان در مساجد احمدآباد مشغول بجای آوردن مراسم مذهبی بودند دسته های عظیمی از هندوها پس از یک راه پیمانی مفصل آنهم زمانی که مقررات منع رفت و آمد برقرار بود در برابر مساجد اقدام به بیجا آوردن مراسم مذهبی خود که توام با رقص و آواز بود نموده و در بازگشت دهها خانه مسلمانان را به آتش کشیدند.

در شهر بارودا شهری که اجداد آنها اولین کسانی

بودند که به اسلام مشرف شدند و زمانی پیش از دویست مسجد داشت فعلاً از جمعیت یک میلیون نفری فقط صد هزار مسلمان دارد. کشتار مسلمانان در این شهر تکرار شد. تعدادی از موبدان هندو از شهرهای احمدآباد و ویرانگام - دهلی و راجکوت جلسه ای در این شهر تشکیل داده و سپس به سرانیه های تحریک آمیزی علیه مسلمانان پرداختند بخشی از سخنرانی چنین بود:

«ما هندوها حاکمان اصلی هندیم ولی مسلمانان روز بروز قدرتمندتر میشوند دوهزار و پانصد شهر بزرگ در هند وجود دارد اگر شما هندوها هر روز سه مسلمان را در یک شهر هند بکشید باین ترتیب ۷۵۰۰ نفر مسلمان در هر روز و دویست و بیست و پنج هزار مسلمان در ماه به قتل خواهند رسید. باین ترتیب دیگر مسلمانی باقی نخواهد ماند. و بقیه هم بدین مابقی هندولیزم خواهند پیوست.

وضع مسلمانان در ایالات دیگر از جمله در آسام بهتر از جاهای دیگر نیست عده زیادی از آنها که سالها قبل از کشورهای مجاور آمده بودند بیرون رانده شدند و گروه دیگری که ساکن شده اند بر اساس توافق که بین دولت مرکزی و فرراطیون هندوی محلی بسته شد از حقوق مدنی و از جمله حق رای در انتخابات اخیر ایالت محروم شدند در حال حاضر آسام حدود بیست میلیون جمعیت دارد که بیش از بیست درصد آنرا مسلمانان تشکیل میدهند.

همانطور که قبلاً یادآوری شد بهنگام انتخابات ۱۹۸۳ و درگیریهایی که شد بیش از چهار هزار نفر اکثر مسلمان کشته شدند.

دولت جدید آسام در آغاز فعالیتهای انتخاباتی اعلام کرده بود که به محض بقدرت رسیدن همه مسلمانان را بیرون خواهند ریخت که در این صورت صد هزار نفر آواره خواهند شد.

تازه ترین درگیریها که منجر به وارد آمدن خسارات مالی و جانی فراوان شده و قطعاً آخرین آنها نخواهد بود این است که روز اول فوریه ۱۹۸۶ برابر با ۱۲ بهمن ۶۴ دادگاه ایالتی اوتار پردیش رأی صادر کرد که بر اساس آن مکانی (مسجدی) که از سالها محل عبادت مسلمانان بوده برای عبادت در اختیار هندوها قرار گرفت.

بعقیده هندوها مکان مزبور را که «بوها» نام دارد و در نزدیکی فیض آباد در ایالت اوتار پردیش قرار گرفته محل تولد یکی از محبوبترین خدایان هندو بنام راما قهرمان افسانه هندی رامایاناست بروایت آنها پسر پادشاه (مسلمان) مغول مکان مزبور را در ۱۵۲۸

تخریب و تبدیل به مسجد کرد از آن پس تا ۱۹۸۹ مسلمانان در آنجا عبادت میکردند. بقرار معلوم درگیریهای نیز در همین دوره بین مسلمانان و هندوها ایجاد میگردد. مسلمانان میگویند در آن وقت که بابر مکان مذکور را به مسجد تبدیل کرد معبدی وجود نداشت تا هندوها بر سر آن ادعا داشته باشند. درگیریها باعث شد که دولت مرکزی برای جلوگیری از تشنجات دستور تعطیل آنرا بدهد ولی مسئله توسط هندوها به دادگاه احاله میگردد. اینک پس از ۳۷ سال و روز اول فوریه ۱۹۸۶ رای دادگاه بنفع هندوها صادر میگردد و به آنها اجازه میدهد که در آن محل به عبادت بپردازند بدون اینکه اعلام نماید که تملک آن با مسلمانان است یا هندوان و مشکل از هنگامی آغاز گردید که پنجاه هزار هندو صدور رأی دادگاه را جشن میگرفتند. به گزارش خبرگزاریها در این حال مسلمانان باین رای اعتراض و با شمشیر چوب و سنگ به آنها حمله میکنند که در نتیجه عده ای کشته و زخمی میشوند این رای جامعه مسلمانان هند را نگران نموده و موجبات اعتراضات شدید و گسترده در شهر دهلی و سایر شهرها از جمله کشمیر گردیده. در برخورد بین مسلمانان و هندوها در اطراف مسجد جامع شهر دهلی که منجر به کشته شدن چند مسلمان گردید امام جماعت مسجد (امام بخاری) بشدت به تیراندازی پلیس و کشته شدن افراد مسلمان اعتراض نمود.

ناآرامیها سرعت به شهرهای دیگر از جمله جامو و کشمیر و سهور سرایت نمود. خبرگزاریها گزارش داده اند که بدترین برخورد در شهر «سهور» بوده که طرفین (هندوها و مسلمانان) با اسلحه، شمشیر، سنگ و چوب به جان هم افتادند. در این درگیریها عده زیادی کشته و صدها نفر مسلمان زخمی میشوند. و گروهی در این رابطه دستگیر شده اند ضمناً عده ای پلیس زخمی گردیدند. این حوادث در هند تا زنگی ندارد ولی صدور رای وسیله دادگاه ایالتی آنهم پس از ۳۷ سال و بجان هم انداختن گروههای مذهبی سؤال برانگیز است. شواهد نشان میدهد که پلیس یا قوای دولتی نتوانسته اند حافظ مسلمانان باشند و جلوی خسارات فراوان مالی و جانی را در شهرهای مختلف بگیرند.

آخرین تحولات حاکی است: زد و خورد بین هندوها مسلمانان در سهور سه نفر کشته و در جامو بخاطر ایجاد یک مسجد ۱۲۰ نفر از جمله صد مامور پلیس زخمی شد.

عکس العمل مسلمانان هند

مسلمانان و احزاب مختلف هند روز ۶۴/۱۲/۲ در یک گردهمایی از مردم خواستند اتحاد خود را همچنان حفظ کنند تا بتوانند بر مشکلاتی که دولت هند پس از واگذاری غیرقانونی مسجد بابری به هندوها ایجاد کرده است فائق آیند. امام جمعه دهلی نو نظماهرات جمعه گذشته مسلمانان را در اطراف مسجد جامع صلحجویانه خواند که پلیس دخالت و دو نفر را به قتل رسانده وی به دولت هشدار داد که باید مسجد را به مسلمانان بازگرداند وی گفت ما تا دستیابی به حقوق خود خاموش نخواهیم شد.

در پایان گردهمایی قطعنامه صادر و طی آن اعلام گردید مبارزات مسلمین علیه هیچ مذهب بخصوص نیست و فقط بمنظور احقاق حقوق خودشان است در این قطعنامه آمده است که مسلمین اجازه نخواهند داد دولت در شریعت آنان دخالت کند.

شرکت کنندگان در گردهمایی هم چنین باز گرداندن نه تنها مسجد بابری بلکه تمامی اماکن عبادی که تحت نظارت اداره آثار و ابنیه تاریخی هند در آمده را خواستار شدند.

در این رابطه فدراسیون مسلمانان هند از سازمانهای ملی هندیهای مقیم انگلیس در بیانیه مطبوعاتی خود اعلام کرده حداقل بیست هزار مسجد در هند وجود دارد که در طول ۳۹ سال گذشته به معبد تبدیل شده اند و این با قانون اساسی کشور در تضاد است. این فدراسیون روز ۹ مارس ۱۸ اسفند جمعی تشکیل و در مورد واگذاری مسجد بابری به بحث خواهد پرداخت. در این مجمع مسلمانان کشورهای دیگر شرکت خواهند داشت.

مورد فوق ویا موارد مشابه نشان میدهد که سازمانها و تشکیلات دولتی نیز به اختلافات از طریق ایجاد محدودیت در فعالیت مذهبی مسلمانان دامن میزنند. بعنوان مثال تعدادی از مساجد تحت عنوان آثار باستانی تعطیل و ادای فرایض دینی در آنها غیرممکن گردیده است. بعقیده مقامات دولتی اقامه نماز در مساجدی که وسیله دولت حفاظت شده مجاز نیست و یا یک دادگاه ایالتی کلکته اخیراً درخواست نموده بود که به تقاضای چند هندوی متعصب از دادگاه محل، از انتشار قرآن در آن ایالت جلوگیری و قرآنهای منتشره جمع آوری گردد که اینکار با اعتراضات مسلمانان مواجه و دادگاه عقب نشینی کرد. کشورهای مسلمان نظیر پاکستان و بنگلادش نیز به آن اعتراض کردند. و مطبوعات هندی با همه بدبینی بخشی از تلاشهای

مسلمانان را در این زمینه انتشار دادند و از جمله از قول وزیر امور مذهبی پاکستان نوشتند که این بدترین نوع محدودیت مذهبی علیه اقلیتها در یک کشور میتواند باشد. مورد دیگر اینکه علائم و فشارهایی از اقدامات اولیه دولت در تغییر قانون احوال شخصیه مسلمانان چشم میخورد.

بطور خلاصه مسلمانان با تعداد قابل توجه جمعیت که به حدود $\frac{1}{5}$ جمعیت کل هند میرسند از نقش اصلی خود بعنوان یک قدرت فعال در سیستم حکومتی هند در قبال اقلیتهای دیگر محرومند برعکس باستاد اظهارات یک هندو حاکمیت اکنون در اختیار برهنه هائی است که تنها ده درصد کل جمعیت هند را تشکیل میدهند ولی این عده معدود مردم هند را مورد ظلم و ستم قرار میدهند این طریقه توانست از طریق مراحل دموکراتیک به قانون مربوط به اتباع مسلمان تجاوز کند. برای نیل به این اهداف از دادگاهها و سایر مراجع استفاده مینماید و نمونه هایی قبلاً ذکر گردید.

ظاهر مسلمانان سرشناس هند، هویت اسلامی مسلمانان دائماً از طرف سیستم حاکمه این کشور مورد تهدید قرار میگیرد. مسلمانان بناچار باید در ضد حفظ و حمایت از هویت اسلامی خود باشند. بعقیده یکی از اساتید دانشگاههای هند حتی موضعگیری قانون اساسی نیز در رابطه با مسگه هویت اسلامی نامفهوم است. شواهد امر نشان میدهد که در هند مسلمانان هدف تبعیض مذهبی واقع میشوند و در موارد مختلف مانند پیدا کردن شغل و کار هندوها با نصیبات مذهبی و فرقه گرائی محیط را برای داوطلبان استخدام کارمندان مسلمان محدود مینازند.

(دولت هند در انتخاب و اعزام نیروی کار به کشورهای مختلف دخالت زیادی دارد و به مسلمانان فرصت کافی نمیدهد) مسلمانان گاه از بیم خشونت هندوها مناطق مسکونی جداگانه ای برای خود تشکیل داده اند. مسلمانان از یکطرف پای بند اصول و اعتقادات و فرهنگ خاص خود هستند و از طرف دیگر ناچارند از بعضی خصوصیات از قبیل مقاومت در برابر فرهنگهای هندوئی چشم پوشند. از لحاظ فرهنگی بعلت عدم توجه دواپیر و مقامات دولت به فرهنگ اسلامی، زبان اردو، زبان اکثریت قریب باتفاق مسلمانان هند از اهمیت خود افتاده است. در زمینه تجاری مسلمانان از تسهیلات سرمایه گذاری در صنایع تا حد زیادی محرومند. آنها در انتخابات شرکت فعال ندارند و بعلت نداشتن بنیه و پایگاه مستحکم قدرت از ترس خشونت هندوها باحزابی که هیچ علاقه ای به

اسلام ندارند رای میدهند و یا با آنها ائتلاف میکنند. مسلمانان هر وقت که اعتراض برای کسب حقوق حقه خود کرده اند با خشونت روبرو شده اند در حالیکه هندوها با ایجاد ناآرامی در موارد مختلف نه تنها به خواسته های خود میرسند بلکه امتیازات بیشتری نیز میگیرند مثال بارز آن در آسام است که افرایطون هندو با ایجاد ناآرامیهای مداوم به حکومت رسیدند ولی عده زیادی از مسلمانان از حقوق خود محروم شدند.

بطور خلاصه نگاهی به وضع مسلمانان هند نشان میدهد که بعد از استقلال هند و ایجاد پاکستان در ۱۹۴۷، مراکز اقتصادی و اجتماعی و مذهبی مسلمانان بطور سیستماتیک در شهرهای مختلف بخصوص مراکز تجمع مسلمانان هدف تهاجم سازمانهای افرایطی است. مسلمانان در بسیاری از موارد در برابر اقلیتهای دیگر مورد تبعیض قرار میگیرند. حقوقشان ضایع و مهمترین وسیله برای تضعیف آنها ایجاد درگیریهای عمدی با استفاده از عوامل و احساسات مذهبی است.

عوامل دشمنی با مسلمانان

علل و عوامل امر را می توان بشرح زیر خلاصه کرد:
الف- وجود سازمانهای مختلف نژادپرستانه با زمینه فعالیت های ضداسلامی زحمات گروههای افرایطی هندو و حمایت ضمنی مقامات و دستگاههای دولتی هندی از جمله پلیس برخوردار است از آن جمله سازمان آر. اس. اس- این سازمان متعصب و پیرو سیستم حفظ کاست و معتقد است که همه غیر هندوهای هند که در هند هستند باید به آئین هندوها درآیند. این سازمان در موارد بسیاری به خشونت متوسل شده اموال مسلمانان و گاه پیروان سایر مذاهب را غارت و حیناقتان را مورد تهدید قرار میدهد معروف است که قاتلی گاندهی (که در ضد برچیدن سیستم کاست بود) اعضای این سازمان بوده است.

۲- جان سنگ. یک سازمان طرفدار تبعیض نژادی که دستش به بسیاری از غارتهای اموال مسلمانان سوزاندن اماکن تجاری و اقتصادی آنها آلوده است.

۳- شیومنا. که اخیراً در شهر بمبئی تأسیس شده و مراکز فعالیت خود را پشدت و سرعت به شهرهای مختلف که مرکز تجمع مسلمانان از جمله کشمیر گسترش داده اعضای این سازمان متعصب هندوئی معتقدند که هند متعلق به هندوهاست و زمینه فعالیت آنها مشخصاً ضد اسلامی است. رهبر آنها اخیراً گفته

بود که اگر روزی به قدرت برسد اجازه نخواهد داد که حتی یک مسلمان در هند باقی بماند.

۱- احزاب چپ و کمونیست: تردیدی نیست که احزاب کمونیست نقش فعالی در ایجاد تفریقات و محدودیتها برای فعالیت گروههای مذهبی و بخصوص مسلمانان دارند. و مشوق و راهنمای دولت در انجام این اموراتند. نقش مسیحیت را نباید در این مورد نادیده گرفت.

ب: جدا از عواملی که ریشه در سیاست و حکومت هند دارد از جمله رعایت اصل سبکلا ریزم که بخصوص در هند همیشه بعنوان اصل جدائی دین از سیاست بر آن تأکید میشود عوامل دیگری ناشی از خود جامعه مسلمانان در هند است که این وضع آشفته را تسریع میکند که از آن جمله است:

- ۱- عدم آگاهی کافی نوده مسلمان بعلت فقر، بیثباتی عقب ماندگی نداشتن امکانات برای ایجاد آگاهی سیاسی و اجتماعی.
- ۲- خلأ رهبری در میان مسلمانان.
- ۳- عدم انسجام مسلمانان و نداشتن پایگاه قدرت در بطن جامعه خود.

۴- وجود مسلمانان دولتی یا عناصر وابسته بدولت که در هر موردی اقدامات ضداسلامی دولت را توجیه و آنها را قانونی تفسیر میکند.

۵- عوامل پنهان خارجی و داشتن امکانات کافی برای ایجاد تفرقه و آشوب ها و درگیریهای خونین مذهبی در مواقع لازم.

۶- رسانه های گروهی که برخی از آنها ضمن وارونه جلوه دادن حقایق و بزرگ کردن اشتباهات مسلمانان بموقع آتش افروزی میکنند و در عوض مطالب هندوها را بر مسلمانان ناپسندیده میگیرند.

۷- در کنار همه این عوامل بی تفاوتی حکومت هند نسبت به این جریانها، تجربه نشان داده است که نیروهای پلیس و حفاظتی همیشه موضعی وارد عمل شده اند که مسلمانان خسارات مالی و جانی فراوان دیده و نقش آنها تا حدی فقط برای نشان دادن حضور دولت در صحنه بنفع مسلمانان است (البته بی انصافی است اگر گفته شود که هیچ نقشی ندارند زیرا در خیلی موارد دخالت آنها موجب کاهش خسارات و تشنجات است) ضمناً دولت هند همیشه سعی دارد ادعا کند که دمکراسی بزرگ هند خانه مذاهب بسیاری است و پیروان آن ها بطور مسالمت آمیز در کنار یکدیگر و برای هند زندگی میکنند، حتی راجیوگانندی در مصاحبه های خود بخصوص در خارج از هند (در سفر اخیر مسقط و عمان) از اقدامات حمایتی هند از مسلمانان و برنامه هائی که برای اقلیت مسلمان در نظر

دارد سخن می گوید در هفته جاری نیز از احزاب مخالف خواسته تا نسبت به یک لایحه در مورد مسلمانان که ظاهراً برای جلب رضایت آنها است تشکیل جلسه دهند. دلیل این امر این است که رای مسلمانان همیشه در انتخابات سراسری نقش مهمی داشته شاید ایندپندگانی تا حد زیادی بر این امر واقف بود و با توجه به نقشی که مسلمانان در استقلال هند داشتند سعی در جذب قلوب مسلمانان داشت و حزب کنگره در دوره های قبل حتی بعنوان مسلیک هم شده گاهاً ریاست جمهوری (هر چند که نقشی تشریفاتی داشته و دارد) را از میان مسلمانان انتخاب می کرد. ذاکر حسین و فخرالدین علی احمد از آن جمله بودند. اما این رسم نیز ظاهراً منسوخ گردیده و چند سالی است که بمنظور تجنب سبکها یک نفر سبک ریاست جمهوری برگزیده شده بهتر است اگر حزب کنگره نیز علاقه ای به جامعه اسلامی نشان میدهد بیشتر برای جلب آراء موافق آنهاست.

عامل امیدبخش

خوشبختانه در این میان یک عامل مهم که مایه

امیدواری جهان اسلام میباشد به مسلمانان هند دلگرمی و امید میدهد و آن انقلاب شکوهمند اسلامی ایران است. آثار این انقلاب در بیداری مسلمانان هند را در چند سال گذشته میتوان از لایحی خطوط و اعلامی خشنود کننده ای در میان جامعه مسلمانان و نوشته ها و گفته های مسلمانان آن کشور مشاهده کرد. آثار پدیدار گشته و علاقه به تشکیل اجتماعات، انجمنها، برگزاری کنفرانسها، سمینارها متعدد و بیش از گذشته است. یادآور میشود که در گذشته جامعه مسلمانان که امکان تظاهرات وسیع نداشتند فقط شرکت وسیع و همه جانبه در نمازهای عید سعید فطر فرصت مقتضی برای آنها برای نشان دادن ناخشنودی خود از دولت بود و این امر به همدار به دولت قدرتهای ضداسلامی تعبیر میشد.

اینک سمینارها، کنفرانسها و نشستهای متعدد میشوند بیانگر اعتراضات و نقطه نظرات آنان باشد. این سمینارها و نشستها بیشتر بمنظور بالا بردن صدای اعتراض مسلمانان در مقابل حق کشی های مسلمانان و نیز حفظ هویت اسلامی است. بعنوان نمونه در سمیناری که اخیراً وسیله مسلمانان ترتیب

داده شد گفته شد دولتی که مدعی آزادی است در صدد نابود ساختن مسلمانان بوده و در موضعگیری علیه مسلمانان تردیدی بخود راه نمی دهد. سمینار هشدار داد در صورتیکه این روند ادامه یابد مسلمانان اعتماد خود را به سیستم کاملاً از دست داده و بدولت هشدار میدهند که در این صورت مجبورند پارلمان مجالس انتخابات و تمام سیستم ستمگر و فاسد را تحریم کنند.

با توجه باینکه مقدمات بیداری مسلمانان در شبه قاره کم و بیش فراهم آمده و انقلاب اسلامی ایران میتواند چراغ قهر راه این بیداری باشد لذا جمهوری اسلامی ایران میتواند با ایجاد ارتباط بیشتر با مسلمین شبه قاره و توسعه آن نقش بسیار سازنده ای در نجات مسلمانان آن ایفا نماید در سایه حمایت و هدایت جمهوری اسلامی مسلمانان هند میتوانند در حلقه اول هویت اسلامی خود را که اکنون کوشش برای حفظ آن آغاز گردیده بکمال برسانند و در حلقه بعدی با آگاهی از تواناییهای خود و قدرت اسلام، نقش مؤثر و سازنده خود را در هر قدرت و جایگاه رفیع خود و اسلام را در آن کشور بزرگ و در میان جمعیت چند صد میلیونی هند بیابند.

بقیه از بررسی آیه ميثاق

دنيا آگاهی دارند و از آخرت بی خبرند. و رابطه این دو با هم رابطه دو عالم در عرض یکدیگر نیست بلکه ارتباطشان ارتباط درون و بیرون است مانند رابطه لباس با آستر آن، و این باطن که عالم آخرت است، عالم حیات است نه جماد «وَأَنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» حقیقت که سرای آخرت عالم حیات است، اگر آگاهی می یافتند.

آنگاه همین مفسر می افزاید: تسبیح سنگریزه ها در دست مبارک رسول اکرم صلی الله علیه وآله به آن زبانی بود که روز قیامت هر موجودی سخن می گوید «بومئذ تحدث أخبارها». در آن روز زمین اخبارش را بازگویی نماید. میرداماد پس از نقل این نظریه به رد آن نمی پردازد که احتمالاً دلیل رضا و قبول ایشان است.

- ۱- سوره فصلت آیه ۱۱
- ۲- سوره روم آیه ۷
- ۳- سوره عنکبوت آیه ۶۴

بقیه از حقوق فرزندان

۵- نامهایی که مناسب کودکی و ظرافت آن دوران است همیشه انسان را کوچک و پرتوقع و به اصطلاح لوس جلوه می دهد و شاید موجب بروز این صفات در او نیز بشود.

۶- بعضی از نامها ممکن است در بعضی از جامعه های دیگر بخصوص کشورهای عربی که باین الفاظ آشنا هستند موجب تنفر و حتی بر خورد خصمانه شود. شخصی که نام او نبی الله بوده از قرار مسموع در یکی از ادارات دولتی یک کشور عربی به این مسأله برخورد کرده است و کارمند عرب حاضر نشده کار او را انجام دهد تنها دلیل تنفر او از اینکه کسی خود را پیامبر خدا بداند. و حق هم با همان کارمند است. و همچنین دیگری که نام او اسرائیل است نیز گرفتار چنین وضعی شده است.

خلاصه شکی نیست که نام معنوی و معرف شخصیت انسان است. پدر و مادر باید دقت کافی بعمل آورند و نام مناسب برای فرزند خویش انتخاب کنند. نامی که یادآور شخصیتهای محبوب در جهان اسلام است و می تواند او را وادارد که آناترا الگوی خویش قرار دهد و از آنان در زندگی پیروی نماید و از سوی دیگر در برابر دوستان و آشنایان و دیگران احساس شجاعت و شرمندگی نکند بلکه نام برای او یک زینت و مایه افتخار باشد.